

A portrait of a man with a dark turban and a grey beard, looking slightly to the left. The background is a soft, greenish landscape. The text is overlaid on the bottom right of the image.

زندگینامہ

علامہ سید محمد طاہر
حسرتی طاہر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگینامه علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)

نویسنده:

علامه سید محمد حسین طباطبایی

ناشر چاپی:

اطلاعات

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	زندگینامه علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)
۶	مشخصات کتاب
۶	زندگینامه
۶	تحصیلات و اساتید
۷	شاگردان
۷	مهارت‌های علامه
۸	فعالیت و کسب درآمد
۹	هجرت
۹	رحلت
۱۰	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

زندگینامه علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران ۷۵-۱۷۴۴۱

عنوان و نام پدیدآور : زندگینامه مفسر کبیر قرآن علامه طباطبایی رض

منشا مقاله : ، اطلاعات (۱ آذر ۱۳۷۵): ص ۷.

توصیفگر : قرآن توصیفگر : طباطبایی محمدحسین

زندگینامه

علامه طباطبایی در آخرین روز ماه ذیحجه سال ۱۳۲۱ هـ ق در شاد آباد تبریز متولد شد، و ۸۱ سال عمر پربرکت کرد، و در صبح یکشنبه ۱۸ محرم الحرام سال ۱۴۰۲ هـ ق سه ساعت به ظهر مانده رحلت کردند.

اجداد علامه طباطبایی از طرف پدر از اولاد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام و از اولاد ابراهیم بن اسماعیل دیباج هستند، و از طرف مادر اولاد حضرت امام حسین علیه السلام می باشند. در سن پنج سالگی مادرشان، و در سن نه سالگی پدرشان بدرود حیات می گویند و از آنها اولادی جز ایشان و برادر کوچکتر از ایشان بنام سید محمد حسن کسی دیگر باقی نمانده بود.

جدّ علامه طباطبائی (ره) از شاگردان و معاشران نزدیک شیخ محمد حسن نجفی (صاحب جواهرالکلام) بود و نامه ها و نوشته های ایشان را می نگاشت. مجتهد بود و به علوم غریب (رمل و جفر و ...) نیز احاطه داشت اما از نعمت داشتن فرزند محروم بود. روزی هنگام تلاوت قرآن به این آیه رسید « و ایوب إذ نادى ربه: انى مسنى الضر و انت ارحم الراحمین ». با خواندن این آیه، دلش می شکنند و از نداشتن فرزند غمگین می شود. همان هنگام چنین ادراک می کند که اگر حاجت خود را از خداوند بخواهد، روا خواهد شد. دعا می کند و خداوند هم - پس از عمری دراز - فرزند صالحی به او عنایت می فرماید. آن پسر، پدر مرحوم علامه طباطبائی می شود. پدر علامه نیز پس از تولد او، نام پدر خود (یعنی جدّ علامه) را بر وی می نهد.

تحصیلات و اساتید

سید محمد حسین به مدت شش سال (۱۲۹۰ تا ۱۲۹۶ هـ ش) پس از آموزش قرآن که در روش درسی آن روزها قبل از هر چیز تدریس می شد، آثاری چون گلستان، بوستان و ... را فراگرفت. علاوه بر آموختن ادبیات، زیر نظر میرزا علینقی خطاط به یادگیری فنون خوشنویسی پرداخت.

چون تحصیلات ابتدایی نتوانست به ذوق سرشار و علاقه وافر ایشان پاسخ گوید، از این جهت به مدرسه طالبیه تبریز وارد شد و به فراگیری ادبیات عرب و علوم نقلی و فقه و اصول پرداخت و از سال ۱۲۹۷ تا ۱۳۰۴ هـ ش مشغول فراگیری دانشهای مختلف اسلامی گردید.

علامه طباطبایی بعد از تحصیل در مدرسه طالبیه تبریز همراه برادرشان به نجف اشرف مشرف می شوند، و ده سال تمام در نجف اشرف به تحصیل علوم دینی و کمالات اخلاقی و معنوی مشغول می شوند. علامه طباطبایی علوم ریاضی را در نجف اشرف نزد آقا سید ابوالقاسم خوانساری که از ریاضی دانان مشهور آن زمان بود فراگرفت.

ایشان دروس فقه و اصول را نزد استادان برجسته ای چون مرحوم آیت الله نائینی (ره) و مرحوم آیت الله اصفهانی (ره) خواندند، و

مدت درسهای فقه و اصول ایشان مجموعاً ده سال بود.

استاد ایشان در فلسفه، حکیم متأله، مرحوم آقا سید حسین باد کوبه ای بود، که سالیان دراز در نجف اشرف در معیت برادرش مرحوم آیت الله حاج سید محمد حسن طباطبایی الهی نزد او به درس و بحث مشغول بودند.

و اما معارف الهیه و اخلاق و فقه الحدیث را نزد عارف عالیقدر و کم نظیر مرحوم آیت الله سید علی آقا قاضی طباطبائی (ره) آموختند و در سیر و سلوک و مجاهدات نفسانیه و ریاضات شرعیه تحت نظر و تعلیم و تربیت آن استاد کامل بودند.

استاد امجد نقل می کند که « حال مرحوم علامه، با شنیدن نام آیت الله قاضی دگرگون می شد. »

حجت الاسلام سید احمد قاضی از قول علامه نقل می کند که: « پس از ورودم به نجف اشرف، به بارگاه امیرالمؤمنین علیه السلام رو کرده و از ایشان استمداد کردم. در پی آن، آقای قاضی نزد آمد و فرمود:

« شما به حضرت علی علیه السلام عرض حال کردید و ایشان مرا فرستاده اند. از این پس، هفته ای دو جلسه با هم خواهیم داشت. » و در همان جلسه فرمود:

« اخلاصت را بیشتر کن و برای خدا درس بخوان. زبانت را هم بیشتر مراقبت نما. »

شاگردان

شاگردان علامه، دهها نفر از بزرگان و فرهیختگان کنونی در حوزههای علمیه میباشند که به تنی چند از آنان اشاره میشود: حضرات آیات و حجج الاسلام (۱) استاد شهید مرتضی مطهری، (۲) سید محمد حسینی بهشتی، (۳) امام موسی صدر، (۴) ناصر مکارم شیرازی، (۵) شهید محمد مفتاح، (۶) شیخ عباس ایزدی، (۷) سید عبدالکریم موسوی اردبیلی، (۸) عز الدین زنجانی، (۹) محمد تقی مصباح یزدی، (۱۰) ابراهیم امینی، (۱۱) یحیی انصاری، (۱۲) سید جلال الدین آشتیانی، (۱۳) سید محمد باقر ابطحی، (۱۴) سید محمد علی ابطحی، (۱۵) سید محمد حسین کاله زاری، (۱۶) حسین نوری همدانی، (۱۷) حسن حسن زاده آملی، (۱۸) سید مهدی روحانی، (۱۹) علی احمدی میانجی، (۲۰) عبدالله جوادی آملی، (۲۱) احمد احمدی، دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی، (۲۲) دکتر سید یحیی یتربی و ...

مهارتهای علامه

فرزند علامه می افزاید:

« پدرم از نظر فردی، هم تیرانداز بسیار ماهری بود و هم اسب سواری تیزتک و به راستی در شهر خودمان - تبریز - بی رقیب بود، هم خطاطی برجسته بود، هم نقاش و طراحی ورزیده، هم دستی به قلم داشت و هم طبعی روان در سرایش اشعار ناب عارفانه و ...، اما از نظر شخصیت علمی و اجتماعی، هم استاد صرف و نحو عربی بود، هم معانی و بیان، هم در اصول و کلام کم نظیر بود و هم در فقه و فلسفه، هم از ریاضی (حساب و هندسه و جبر) حظی وافر داشت و هم از اخلاق اسلامی، هم در ستاره شناسی (نجوم) تبحر داشت، هم در حدیث و روایت و خبر و ...،

شاید باور نکنید که پدر بزرگوار من، حتی در مسائل کشاورزی و معماری هم صاحب نظر و بصیر بود و سالها شخصاً در املاک پدری در تبریز به زراعت اشتغال داشت و در ساختمان مسجد حجت در قم عملاً طراح و معماری اصلی را عهده دار بود و تازه اینها گوشه ای از فضایل آن شاد روان بود و گرنه شما می دانید که بی جهت به هر کس لقب علامه نمی دهند و همگان بخصوص بزرگان و افراد خبیر و بصیر هیچکس را علامه نمی خوانند مگر به عمق اطلاعات یک شخص در تمام علوم و فنون عصر ایمان آورده باشند... »

آثار علامه طباطبایی (به استثنای تفسیر المیزان) را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:
الف- کتاب‌هایی که به زبان عربی نگاشته شده‌اند.

این کتاب‌ها عبارتند از: ۱- کتاب توحید که شامل ۳ رساله است: رساله در توحید
• رساله در اسماء الله

• رساله در افعال الله ۲- کتاب انسان که شامل ۳ رساله است: انسان قبل الدنيا
• الانسان فی الدنيا

• الانسان بعد الدنيا ۳- رساله وسائط که البته همگی این رساله‌ها در یک مجلد جمع‌آوری شده و به نام هفت رساله معروف است.
۴- رساله الولایه (طریق عرفان: ترجمه و شرح رساله الولایه)

۵- رساله النبوة و الامامه

ب- کتاب‌هایی که به زبان فارسی نگاشته شده‌اند: ۶- شیعه در اسلام

۷- قرآن در اسلام (به بحث درباره مباحث قرآنی از جمله نزول قرآن، آیات محکم و متشابه ناسخ و منسوخ و ... پرداخته است).

۸- وحی یا شعور مرموز

۹- اسلام و انسان معاصر

۱۰- حکومت در اسلام

۱۱- سنن النبوی (درباره سیره و خلق و خوی پیامبر اسلام در بخش‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی ایشان است).

۱۲- اصول فلسفه و روش رئالیسم (در مورد مبانی فلسفی اسلامی و نیز نقد اصول مکتب ماتریالیسم دیالکتیک است).

۱۳- بدایه الحکمه

۱۴- نهایه الحکمه (فروغ حکمت: ترجمه و شرح نهایه الحکمه)

(این دو کتاب از متون درسی فلسفی بسیار مهم حوزه و دانشگاه محسوب می‌شود).

۱۵- علی و فلسفه الهی

۱۶- خلاصه تعالیم اسلام

۱۷- رساله در حکومت اسلامی

سیری در قرآن (سید مهدی آیت‌اللهی)

در محضر علامه طباطبایی (محمد حسین رخشاد)

پرسش و پاسخ (محمد حسین رخشاد)

فعالیت و کسب درآمد

مرحوم علامه در مدتی که در نجف مشغول تحصیل بودند بعلت تنگی معیشت و نرسیدن مقرری که از ملک زراعیشان در تبریز بدست می‌آمد مجبور به مراجعت به ایران می‌شود و مدت ده سال در قریه شادآباد تبریز به زراعت و کشاورزی مشغول می‌شوند. فرزند ایشان مهندس سید عبدالباقی طباطبائی می‌گوید:

«خوب به یاد دارم که، مرحوم پدرم دائماً و در تمام طول سال مشغول فعالیت بود و کار کردن ایشان در فصل سرما در حین ریزش باران و برفهای موسمی در حالی که، چتر به دست گرفته یا پوستین بدوش داشتند امری عادی تلقی می‌گردید، در مدت ده سال بعد از مراجعت علامه از نجف به روستای شادآباد و بدنبال فعالیت‌های مستمر ایشان قنات‌های لایروبی و باغهای مخروبه تجدید خاک و

اصلاح درخت شده و در عین حال چند باغ جدید، احداث گردید و یک ساختمان ییلاقی هم در داخل روستا جهت سکونت تابستانی خانواده ساخته شد و در محل زیرزمین خانه حمامی به سبک امروزی بنا نمود. «

هجرت

به هر حال علامه طباطبایی بعد از مدتی اقامت در تبریز تصمیم می‌گیرد تا به قم عزیمت نماید و بالاخره این تصمیم خود را در سال ۱۳۲۵ هـ ش عملی می‌کند.

فرزند علامه طباطبایی در این مورد می‌گوید:

« همزمان با آغاز سال ۱۳۲۵ هـ ش وارد شهر قم شدیم... در ابتدا به منزل یکی از بستگان که ساکن قم و مشغول تحصیل علوم دینی بود وارد شدیم، ولی به زودی در کوچه یخچال قاضی در منزل یکی از روحانیان که هنوز هم در قید حیات است اتاق دو قسمتی، که با نصب پرده قابل تفکیک بود اجاره کردیم، این دو اتاق قریب بیست متر مربع بود.

طبقه زیر این اطاقها انبار آب شرب منزل بود که، در صورت لزوم بایستی از درب آن به داخل خم شده و ظرف آب شرب را پر کنیم. چون خانه فاقد آشپزخانه بود پخت و پز هم در داخل اطاق انجام می‌گرفت - در حالی که مادر ما به دو مطبخ (آشپزخانه) ۲۴ متر مربعی و ۳۵ متر مربعی عادت کرده بود که در میهمانیهای بزرگ از آنها به راحتی استفاده می‌کرد - پدر ما در شهر قم چند آشنای انگشت شمار داشت که یکی از آنها مرحوم آیت الله حجت بود. اولین رفت و آمد مرحوم علامه به منزل آقای حجت بود و کم کم با اطرافیان ایشان دوستی برقرار و رفت و آمد آغاز شد.

لازم به ذکر است که علامه طباطبایی در ابتدای ورودشان به قم به قاضی معروف بودند، چون از سلسه سادات طباطبایی هم بودند، خود ایشان ترجیح دادند، که به طباطبایی معروف شوند. ایشان عمامه ای بسیار کوچک از کرباس آبی رنگ و دگمه های باز قبا و بدون جوراب با لباس کمتر از معمول، در کوچه های قم تردد داشت و در ضمن خانه بسیار محقر و ساده ای داشت.

رحلت

مهندس عبدالباقی، نقل می‌کند:

« هفت، هشت روز مانده به رحلت علامه، ایشان هیچ جوابی به هیچ کس نمی‌داد و سخن نمی‌گفت، فقط زیر لب زمزمه می‌کرد: « لا اله الا الله! »

حالات مرحوم علامه در اواخر عمر، دگرگون شده و مراقبه ایشان شدید شده بود و کمتر «تنازل» می‌کردند، و [مانند استاد خود، مرحوم آیه الله قاضی] این بیت حافظ را می‌خواندند و یک ساعت می‌گریستند: « کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش کی روی؟ ره ز که پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی؟! »

همان روزهای آخر، کسی از ایشان پرسید: « در چه مقامی هستید؟ » فرموده بودند: « مقام تکلم. »

سائل ادامه داد: « با چه کسی؟ » فرموده بودند: « با حق. »

حجت الاسلام ابوالقاسم مرندی می‌گوید:

« یک ماه به رحلتشان مانده بود که برای عیادتشان به بیمارستان رفتیم. گویا آن روز کسی به دیدارشان نیامده بود. مدتی در اتاق ایستادم که ناگهان پس از چند روز چشمانشان را گشودند و نظری به من انداختند.

به مزاح [از آن جا که ایشان خیلی با دیوان حافظ دمخور بودند] عرض کردم: آقا از اشعار حافظ چیزی در نظر دارید؟ فرمودند:

« صلاح کار کجا و، من خراب کجا؟ بقیه اش را بخوان! »

گفتم: بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا!

علامه تکرار کردند: «تا به کجا!» و باز چشم خود را بستند و دیگر سخنی به میان نیامد.

آخرین باری که حالشان بد شد و راهی بیمارستان شده بودند، به همسر خود گفتند:

«من دیگر بر نمی‌گردم.»

آیت الله کشمیری می‌فرمودند:

«شب وفات علامه طباطبائی در خواب دیدم که حضرت امام رضا علیه السلام در گذشته اند و ایشان را تشییع جنازه می‌کنند. صبح، خواب خود را چنین تعبیر کردم که یکی از بزرگان [و عالمان] از دنیا خواهد رفت؛ و در پی آن، خبر آوردند که آیت الله طباطبائی در گذشت.»

ایشان در روز سوم ماه شعبان ۱۴۰۱ هـ ق به محضر ثامن الحجج علیه السلام مشرف شدند و ۲۲ روز در آنجا اقامت نمودند، و بعد به جهت مناسب نبودن حالشان او را به تهران آورده و بستری کردند، ولی دیگر شدت کسالت طوری بود، که درمان بیمارستانی نیز نتیجه ای نداشت. تا بالاخره به شهر مقدس قم که، محل سکونت ایشان بود، برگشتند و در منزلشان بستری شدند، و غیر از خواص، از شاگردان کسی را به ملاقات نپذیرفتند، حال ایشان روز به روز سخت تر می‌شد، تا اینکه ایشان را در قم، به بیمارستان انتقال دادند.

قریب یک هفته در بیمارستان بستری می‌شوند، و دو روز آخر کاملاً بیهوش بودند، تا در صبح یکشنبه ۱۸ ماه محرم الحرام، ۱۴۰۲ هـ ق سه ساعت به ظهر مانده به سرای ابدی انتقال و لباس کهنه تن را خلع و به حیات جاودانی مخلع می‌گردند، و برای اطلاع و شرکت بزرگان، از سایر شهرستانها، مراسم تدفین به روز بعد موکول می‌شود، و جنازه ایشان را در ۱۹ محرم الحرام دو ساعت به ظهر مانده از مسجد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام تا صحن مطهر حضرت معصومه علیها السلام تشییع می‌کنند، و آیت الله حاج سید محمد رضا گلپایگانی (ره) بر ایشان نماز می‌گذارند و در بالا سر قبر حضرت معصومه علیها السلام دفن می‌کنند.

«و سلام علیه یوم ولد و یوم یموت و یوم یبعث حیا و درود [ای سترگ] بر او، روزی که زاده شده و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود.»

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی) آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره

الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۲۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR

۵۳-۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

